

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال سیزدهم - شماره پنجم - مرداد ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۱

سبک‌شناسی قصاید ناصر خسرو قبادیانی

(ص ۸۹-۶۹)

آرزو بنی شریف دهکردی^۲، حسین خسروی^۳ (نویسنده مسئول)،

اصغر رضاپوریان^۴

تاریخ دریافت مقاله: بهار ۱۳۹۷ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۷

چکیده

ناصر خسرو قبادیانی از بزرگترین شاعران ایران در قرن پنجم هجری است. سده‌ای که قالب قصیده، قالب رایج و مسلط شعر فارسی بود. در این مقاله کوشش شده است به منظور شناسایی عمیق و همه‌جانبه سبک شخصی وی با نگاهی موشکافانه در سه سطح زبانی، ادبی و فکری به بررسی قصاید این شاعر پرداخته شود. مطالعه و بررسی این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که ناصر خسرو قصاید خویش را در بیست و پنج وزن سروده است. بیشترین بسامد اوزان متعلق به بحر هزج و کمترین آن مربوط به بحر رجز و مقتضب است. در قوافی قصاید بیشتر حروف «ر» و «ن» در جایگاه روی قرار دارند. تقریباً چهارده و نیم درصد قصاید دیوان وی دارای ردیف‌های فعلی بسامد بالاتری دارند. تخفیف کلمات از ویژگی‌های بارز زبان قصاید او می‌باشد. ناصر خسرو از ترکیبات و لغات عربی و پهلوی رایج، در قصاید خویش استفاده کرده است. تشبیه در قصاید او بیشترین بسامد و مجاز کمترین بسامد را دارا هستند. آرایه‌های پرکاربرد قصاید ناصر خسرو عبارتند از: تضاد، تلمیح، جناس، ارسال مثل و

کلمات کلیدی: ناصر خسرو قبادیانی، سبک‌شناسی، قصاید، موسیقی، زبان، صنایع ادبی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (a.banisharif@std.iaushk.ac.ir)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (h_khosravi@iaushk.ac.ir), (h_khosravi2327@yahoo.com)

۴- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی (استاد مشاور)، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (a.rezapourian@iaushk.ac.ir)

Stylistics of Nasser Khosrow Ghobadian's Tale

Arezo Banisharif Dehkordi,^۱ Hossein Khosravi^۲ (corresponding Author),
Asghar Rezaporian^۳

Abstract:

Nasser-i khusraw-i qubadiyani is one of the greatest poets of Iran in Hejira fifth century. In that century, Ballade format was the prevalent and dominant format in Persian poem. The poems of this poet will be considered for identifying his personal style deeply and holistically in three levels linguistic, literary, and intellectual. According to study of these features, Nasser-i khusraw has composed his poems in twenty five rhythms. Most of the frequencies of rhythms belong to hazaj measure and the least ones belong to epopee and moghtazab measure. In the rhymes of his poems the most frequent letters in ravi position are 'r' and 'n'. Approximately, 14.5 percent of the Ballades in his poetical works has arrays that verb arrays have the higher frequency. Vocabulary reduction is one of the remarkable features of his Ballades. Nasser-i khusraw has used the common Pahlavi and Arabic compounds and vocabulary in his poems. Metaphor is the most frequent and metonymy (imagery) is the least frequent. More arrays of Nasser-i khusraw's ballades are as follows: opposite, allusion, equivoque, proverb, ...

Keywords: Nasser-i khusraw –i qubadiyani, methodology, ballades, music, language, figures of speech.

1 - PhD student of Persian language and literature, Islamic Azad university, Shahrekord, Iran. (atena.samiran@yahoo.com)

2 - Associate Professor in group of Persian language and literature, Islamic Azad university, Shahrekord, Iran. (h_khosravi2327@yahoo.com), (h_khosravi@iaushk.ac.ir)

3 - Assistant professor in group of Persian language and literature, Islamic Azad university, Shahrekord, Iran. (rezaporian@gmail.com)

مقدمه

ناصر خسرو یکی از شاعران مطرح ادب کلاسیک فارسی و جزو قصیده سرایان بنام کشور است. دیوان اشعارش یکی از آثار ارزشمند زبان فارسی است که سبک و شیوه سرودن آن مورد توجه بسیاری از صاحب نظران قرار گرفته است. شعر او از سویه های گوناگون چون زبان، نظم موسیقایی، کاربرد واژگان کهن، کاربرد ساختارهای ویژه نحوی، روش قافیه پردازی، اوزان و قوافی مشکل، تصویرهای شاعرانه، مضامین مذهبی، فلسفی و انتقادی فرسنگها از سبک خراسانی فاصله گرفته است که نشان آشکاری است از تشخیص ادبی او که پیرو چندی هم نیافته است. لذا در این رهیافت از زوایای مختلف به شعر و سبک وی نگریسته شده است.

پیشینه تحقیق و ضرورت انجام آن

در یک طبقه بندی کلی پژوهشهایی را که در زمینه شعر ناصر خسرو انجام گرفته میتوان به سه بخش مجموعه کتابها، مقالات و پایان نامه ها دسته بندی کرد که از آن جمله میتوان به این آثار اشاره کرد: «تحلیل اشعار ناصر خسرو و شرح سی قصیده به اهتمام مهدی محقق»، «شرح مشکلات دیوان ناصر خسرو از ادیب پیشاوری»، «سی قصیده از محمد غلامرضایی»، «تصویری از ناصر خسرو از علی دشتی»، «سبک شناسی شعر سیروس شمیسا» و ... اما پژوهشی که بطور دقیق و متمرکز پیشینه ای برای این موضوع یعنی «سبک شناسی قصاید ناصر خسرو» بحساب آید؛ تا کنون انجام نشده است.

وجود نوآوریهای ادبی، عاطفی، تخیلی و ابداعات زبانی و فکری، شعر ناصر خسرو را متمایز از دیگر شاعران ساخته است و با توجه به اهمیت موضوع سبک شناسی که همواره یکی از مهمترین و مفیدترین راههای شناخت زوایای پنهان ذهن و دل شاعران است؛ لذا ضرورت دارد سبک شعری وی تبیین گردد.

بحث و بررسی

الف- ویژگیهای زبانی

الف-۱- سطح آوایی یا سبک شناسی آواها

الف-۱-۱- موسیقی بیرونی: موسیقی بیرونی یا وزن مهمترین عامل در ساختمان شعر است؛ چرا که پدیده ای است برای تصویر عواطف و ایجاد تخیل و از سویی کلیت شعر را نظام میبخشد. یکی از موارد قابل توجه در قصاید ناصر خسرو، هماهنگی و درخور بودن وزن و آهنگ با مضامین آن است. شاعر با شناختی که از موسیقی شعر و بحور عروضی داشته برای هر موضوعی بحر مناسب با همان موضوع را انتخاب کرده تا بر تأثیر سخن خویش

بیفزاید. بررسی این جنبه از موسیقی شعر در قصاید ناصرخسرو نشان می‌دهد که شاعر در ۲۷۸ قصیده از ۲۵ وزن بهره برده است. بیشترین بسامد اوزان قصاید وی، با ۷۸ مورد متعلق به بحر هزج است و کمترین آن مربوط به بحر رجز و مقتضب است که تنها یکبار از آنها استفاده شده است.

جدول شماره ۱- بحرهای بکار رفته در قصاید (بدون زحافات)

ردیف	نام بحر	بسامد	درصد
۱	هزج	۷۸	۲۸/۰۵
۲	رمل	۵۵	۱۹/۷۸
۳	مضارع	۴۴	۱۵/۸۳
۴	مقارب	۲۷	۹/۷۱
۵	منسرح	۱۸	۶/۴۷
۶	سریع	۱۵	۵/۴۰
۷	خفیف	۱۳	۴/۶۸
۸	مجتث	۱۳	۴/۶۸
۹	قریب	۱۳	۴/۶۸
۱۰	رجز	۱	۰/۳۶
۱۱	مقتضب	۱	۰/۳۶
	مجموع	۲۷۸	۱۰۰

الف-۱-۲- موسیقی کناری

الف-۱-۲-۱- قافیه

زبان فارسی یکی از زبانهایی است که در آن میتوان واژه‌های بسیاری را هم قافیه کرد. در قصاید ناصرخسرو نیز به پیروی از زبان فارسی بسامدهای بکارگیری این ساختها رعایت شده است یعنی ما شاهد بسامد بالایی از ساختهایی هستیم که در زبان فارسی بیشتر به کار میروند همچون «آر»، (رتبه ۱؛ ۲۰مورد) «ان»، (رتبه ۲؛ ۱۹ مورد) «ا»، (رتبه ۳؛ ۱۸ مورد) «ر»، (رتبه ۴؛ ۱۶مورد).

حروف روی بکار گرفته شده در قصاید ناصرخسرو نرم و روان هستند، اما به سبب کارکرد شعر از دیدگاه ناصرخسرو و لحن و آهنگ کلام و همچنین به سبب سختیها و دشواریهایی که وی با آنها روبرو بوده، گاه آن گوشنوازی که باید، از کلامش هویدا نیست،

بلکه شاید سخنش تداعی‌کننده کوههای صعب‌العبور و سر به فلک کشیده باشد. لذا با بررسی‌های بعمل آمده مشخص شد که حروف رَوی کلمات قافیه با موضوع قصاید ارتباط مستقیمی دارند.

از مجموع ۲۷۸ قصیده، ۷۶ قصیده؛ یعنی ۲۷/۳۳ درصد با رَوی «ر» و ۶۵ قصیده یعنی ۲۳/۳۸ درصد با رَوی «ن» سروده شده است که این قافیه‌ها بیشترین بسامد را در بین قافیه‌های قصاید ناصر خسرو داراست.

در مجموع از ۲۷۸ قصیده دیوان ناصر خسرو، ۱۱۲ قصیده دارای قافیه‌های الحاقی و ۱۶۶ قصیده دارای قافیه‌های غیر الحاقی می‌باشند.

یکی دیگر از کارکردهای کلمات قافیه در شعر ناصر خسرو، جایی است که تشبیه با قافیه‌گره می‌خورد و در واقع کلمه قافیه در نقش مشبه یا مشبه‌به مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آنکه تو را خاک ز کردار او	بر تن تو جامه و در تن غذاست
همی رشک برد از زن خویش مرد	گه حملۀ مردوار علی
	(دیوان ناصر خسرو، ص ۱۰۰)
	(همان: ص ۱۸۵)

ناصر خسرو از این نوع به فراوانی در اشعار خود بکار برده است. یکی از شگردهای ناصر خسرو در قافیه‌پردازی توجه او به نقش موسیقایی صنایع بدیعی است.

لذا هنرترین کاربرد قافیه در قصایدش آنهایی است که جناس تام تشکیل می‌دهند. گر به ناکام تو بود این همه تقدیر، چرا
به همه عمر چنین خواب و خورت کام و هواست؟
(همان: ص ۱۹)

همچنان چون تن ما زنده به آبست و هوا	سخن خوب، دل مردم را آب و هواست
	(همان: ص ۲۳)

جناس ناقص:

ای شده مشغول به کار جهان	غره چرای بی به جهان جهان
	(همان: ص ۱۳)

صنعت عکس:

نبینی بر درخت این جهان بار	مگر هشیارمرد، ای مرد هشیار
	(همان: ص ۱۷)

جناس مرکب:

از اهل ملک در این خیمه کبود که بود	که ملک ازو نربود این بلندچرخ کبود؟
------------------------------------	------------------------------------

(همان: ص ۳۱)

الف-۱-۲-۲- ردیف

یکی از عوامل زیبایی‌شناسی در ایجاد موسیقی شعر، بکاربردن هنرمندانهٔ ردیف است. بنا بر تعریف دکتر شمیسا ردیف عبارتست از: «کلمه یا کلماتی که در آخر مصرعها عیناً بعد از قافیه تکرار شوند» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا: ص ۸۹) بر اساس گفتهٔ برخی از صاحب‌نظران آوردن ردیف در شعر، نشان توانمندی شاعران است: «هنر نمایی شاعران و امتحان قدرت طبع ایشان را میزانی بهتر از ردیف نیست» (ابدع البدایع، شمس العلماء گرکانی: ص ۳۶۴)

ناصرخسرو از سخنوران پیش از خود بیشتر ولی از شاعران پس از خود کمتر از ردیف استفاده کرده است. وی در دیوان خود از ردیفهای ساده و بی تکلف استفاده کرده و از آن به عنوان وسیله‌ای برای کمال شعر و تأمین کنندهٔ بُعد موسیقایی آن بهره برده است. از مجموع ۲۷۸ قصیدهٔ او، ۴۰ قصیده دارای ردیف هستند؛ یعنی حدود ۱۴/۳۸ درصد کل قصاید.

جدول شماره ۲- درصد انواع ردیف در قصاید ناصرخسرو

ردیف	نوع ردیف	فراوانی	درصد
۱	ردیف فعلی	۲۸	۰/۷۰
۲	ردیف اسمی	۲	۰/۵
۳	ردیف ضمیری	۴	۰/۱۰
۴	ردیف حرفی	۶	۰/۱۵

الف-۱-۳ موسیقی درونی

آهنگین بودن کلام تنها به موسیقی بیرونی و کناری شعر مربوط نمیشود، بلکه هر آنچه را که موجب ایجاد توازن و تناسب در شعر شود، شامل میشود. برخی از مختصات زبانی در ایجاد موسیقی درونی شعر نقش بسزایی دارند.

تخفیف کلمات، مخففها (حذف یک یا چند حرف و...)

حذف از کلمه، مخفف (حذف یک یا چند حرف):

آنگونه که مشهود است بیشترین موردی که ناصرخسرو در قصاید خود بکار برده است، حذف از کلمه یا مخفف است. در دیوان قصاید ناصرخسرو از مجموع ۱۰۵۳۱ ابیات قصاید، در ۶۷۲۴ بیت، یعنی ۶۳/۸۴ درصد ابیات، حذف از کلمه وجود دارد.

خداوندی که در وحدت قدیمست از همه اشیا
نه اندر وحدتش کثرت، نه محدث زین همه تنها
(دیوان ناصر خسرو، ص ۵۰۷)
هر آنچ امروز نتواند به فعل آوردن از قوت
نیاز و عجز اگر نبود ورا چه دی و چه فردا
(همان)

تشدید مخفف:

این ویژگی در ۹۱ بیت از ابیات قصاید وجود دارد، یعنی ۰/۸۶ درصد از کل ابیات قصاید.

هر آنچ امروز نتواند به فعل آوردن از قوت
نیاز و عجز اگر نبود ورا چه دی و چه فردا
(همان: ص ۱)
از بیشی و کمی جهان تنگ مکن دل
با دهر مدارا کن و با خلق مواسا
(همان: ص ۴)

تخفیف مشدد:

این ویژگی در ۳۰ بیت از ابیات قصاید وجود دارد، یعنی ۰/۲۸ درصد از کل ابیات قصاید.

مؤذن چو خواندت ز پی مسجد
تو اوفتاده ژاژ همی خایی
(همان: ص ۷)
چشم و گوش خلق بی شرح رسول
از خط و از قول او کور و کر است
(همان: ص ۳۴)

تغییر مصوت

تبدیل مصوتهای کوتاه به بلند

این ویژگی در ۳۳ بیت از ابیات قصاید ناصر خسرو وجود دارد، یعنی ۰/۳۱ درصد کل ابیات.

مؤذن چو خواندت ز پی مسجد
تو اوفتاده ژاژ همی خایی
(همان: ص ۷)
نیک و بد و دیوی و فریشتگی را
سوی خردمند هست مایه و قانون
(همان: ص ۸)

تبدیل مصوتهای بلند به کوتاه

این ویژگی در ۱۵۴۳ بیت از ابیات قصاید ناصر خسرو وجود دارد، یعنی ۱۴/۶۵ درصد کل ابیات.

چه گویی از چه او عالم پدید آورد از لولو
که نه ماد بَد و صورت نه بالا بود و نه پهنا
(همان: ص ۱)
فرزند تو این تیره تن خامش خاکبست
پاکیزه خرد نیست نه این جوهر گویا
(همان: ص ۴)

حذف مصوت کوتاه (حرکت) یا ساکن کردن (گاهی حذف مصوت کوتاه، حذف هاء غیر ملفوظ از آخر کلمات است)

این ویژگی در ۲۵۶ بیت از ابیات قصاید ناصر خسرو وجود دارد. یعنی ۲/۴۳ درصد کل ابیات.

هر آنچ امروز نتواند بفعل آوردن از قوت نیاز و عجز اگر نبود و را چه دی و چه فردا
(دیوان ناصر خسرو، ص ۱)

زمانی کز فلک زاید فلک نابوده چون باشد زمان و چیز ناموجود و ناموجود بی مبدا
(همان)

اسکان ضمیر

«مراد از اسکان ضمیر اینست که مصوت آغاز ضمیر را (که همواره قبل از آن همزه است) حذف کنند، یعنی همزه و مصوت حذف میشود و صامت ضمیر به کلمه ماقبل می‌چسبد» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۱۹۹)

در قصاید ناصر خسرو ۷۲۳ مورد اسکان ضمیر یافت شد:

زندان تو آمد پسرا این تن و زندان زندان تو آمد پسرا این تن و زندان
این بند نبینی که خداوند نهادست بر ما که نبیندش مگر خاطر بینا؟
(دیوان ناصر خسرو، ص ۴)

الف-۲- سطح واژگانی یا سبک‌شناسی واژه‌ها

ناصر خسرو اغلب از لغات رایج و پرکاربرد زبان فارسی بهره گرفته است، لغاتی که رنگ و بوی فارسی بخود گرفته و تقریباً برای همه فارسی‌زبانان قابل فهم است. لذا در قصاید خود از لغات و تلفظهای قدیمی، لغات عربی، لغات پهلوی و ... نیز استفاده نموده است.

الف-۲-۱- کاربرد تلفظهای قدیمی

قولی به قلم گوید گویا به کتابت قولی به زلفان گوید مشروح و مفسر
(همان: ص ۱۳۱)

این دهر باشگونه چو بستیزد شیر ژیان به دام درآویزد
(همان: ص ۵۲۷)

علی آن یافت ز تشریف که زو روز غدیر شد چو خورشید درفشنده در آفاق شهیر
(همان: ص ۲۲۰)

جان تو هرگز نیابد لذت از دین نبی تا دلت پر لهو و مغزت پر خمارست از نبید
(همان: ص ۵)

الف-۲-۲- استعمال برخی از کلمات عربی به جای فارسی معمول:

در حرب این زمانه دیوانه از صبر ساز تیغ و، ز دین مغفر
(همان: ص ۴۶)

توشه از طاعت یزدانت همی باید کرد که در این صعب سفر طاعت او توشه ماست
(همان: ص ۲۰)

الف-۲-۳- استعمال لغات پهلوی و لغات نزدیک به پهلوی:

ابا به معنی با:

به دو سوی صف دو برادر مبارز ابا هر یکی پنج فرزند درخور
(همان: ص ۵۱۸)

ابر به معنی بر:

چو هاروت و ماروت لب خشک ازانست ابر شطّ دجله مر آن بدگمان را
(همان: ص ۱۱)

اشتر:

اگر اشتر و اسب و استر نباشد کجا قهرمانی بود قهرمان را
(همان: ص ۱۰)

اومند:

خرداومند سخندان به تو برخندد چو مر آن بیخردان را تو بگریانی
(همان: ص ۴۳۶)

ایدر به معنی اینجا:

نیست چیزی هیچ از این گنبد برون هرچه هست اینست یکسر کایدر است
(همان: ص ۲۳)

پادشاهی به معنی سلطنت و مملکت:

پادشاهی یافتستی بر نبات و بر ستور هر چه گوئی «آن کنید» آن از بن دندان کنند
(همان: ص ۱۵۰)

آهو به معنی عیب:

برشو ز هنر به عالم علوی زین عالم پر عوار پر آهو
(همان: ص ۱۶۳)

ایرا و ایراک به معنی زیرا:

آن به که نگوئی چو ندانی سخن ایراک ناگفته سخن به بود از گفته رسوا
(همان: ص ۵)

هگرز به معنی هرگز:

که کرد بهین کار جز بهین کس؟
حلاج نبی افد هگرز دیبا
(همان: ص ۱۰۵)

ب- ویژگیهای ادبی

ب-۱- بیان

ب-۱-۱- تشبیه

تشبیه یکی از ابزارهای کارآمد صورخیال است. از این رو «شاعران و نویسندگان برای بیان اندیشه‌های خود و گاه برای تجسم بخشیدن به صور ذهنی خویش به تشبیه و استعاره متوسل میشوند؛ زیرا تأثیر عاطفی مطلبی که با تشبیه و استعاره بیان میشود، بیشتر است و از راه تشبیه اندیشه‌های شاعر بهتر بیان میشود.» (معانی و بیان، علوی مقدم، اشرف زاده: ص ۲)؛ بنابراین میتوان گفت که تبیین اندیشه‌های شاعر و نویسنده یکی از کارکردهای مهم صورخیال در شعر است و «دومین وظیفه‌ای که تصویر در شعر سنتی بر عهده دارد، آرایش و تزیین اندیشه است، این نقش از نقش نخست؛ یعنی توضیح و تبیین اندیشه مهمتر و پرکاربردتر است» (بلاغت تصویر، فتوحی: ص ۹۶).

در تشبیهات او عناصر مختلفی مانند طبیعت، انسان، جانوران، ابزار و آلات جنگی، اصطلاحات نجومی، شکل و خاصیت اشیاء، خوراکیها و پوشاک، ابزار نویسندگی و امثال آن به عنوان مشبّه به بکار رفته که نشا نگر گستردگی دایره مشبّه به‌های ناصر خسرو است. نکته قابل بیان دیگر، اینکه عناصر مربوط به زندگی عادی و روزمره مردم که در شعر این دوره کم است، در شعر او چشمگیر است.

ناصر خسرو در دیوان قصاید خود مجموعاً ۴۵۹۲ تشبیه بکار برده است. از این تعداد ۲۶۱۸ تشبیه یعنی ۵۷/۰۱ درصد تشبیهات عقلی به حسی است. خصوصاً تشبیهاتی که مشبّه به آنها حسی است، دارای بسامد بالایی هستند و مجموعاً ۹۳/۱۳ درصد از مشبّه به‌های او را تشکیل میدهد که نمونه‌هایی از آن آورده میشود:

آز تو نهنگ است همانا، که نپرس
از گرسنگی خود ز حرامی و حلالی
(دیوان ناصر خسرو، ص ۴۲)
دلت خانه آرزو گشته ست و زهرست آرزو
زهر قاتل را چرا با دل همی معجون کنی؟
(همان: ص ۲۴)

انواع تشبیه:

تشبیه عقلی به حسی:

حذر دار از عقاب آز ازیرا
که پر زهر آب دارد چنگ و منقار
(همان: ص ۱۹)

تشبیه حسی به عقلی:

ز دبو تنت حذر کن که بر تو دیو تنت
فسوسها همه از یک دگر بتر دارد
(همان: ص ۲۸۰)

تشبیه عقلی به عقلی:

دردی است آرزو که به پرهیز به شود

پرهیز مرد را سوی دانا بهین دواست
(همان: ص ۳۹۶)

تشبیه حسی به حسی:

تنت چو پیرهنی بود جانت را و کنون

همه گسست و بفرسوده گشت تارش و پود
(همان: ص ۳۲)

تشبیه مرکب به مرکب:

صبح را بنگر پس پروین روان گویی مگر

از پس سیمین تذروی بستدین عنقاستی
(همان: ص ۲۲۵)

تشبیه مفرد به مفرد:

آفتاب از گرچه رنجه کندت

از نمیدی چترکی بر سر فکن
(همان: ص ۱۶۰)

تشبیه مفرد به مرکب:

گر درخت از بهر بر باشد عزیز

جان براست و تن درخت برور است
(همان: ص ۳۳)

تشبیه مفروق:

آب دریا را گلاب ناب گردانی به عدل

خاک صحرا را به بوی عنبر اذفر کنی
(همان: ص ۴۵۵)

تشبیه تفضیل:

وز نور آفتاب بهره گیرد خاطرت

پیش روشن خاطرت مر ماه را عرجون کنی
(همان: ص ۲۷)

تشبیه مشروط:

حاتم میان ما به سخاوت سمر شده ست

حاتم تویی اگر به سخاوت چو حاتمی
(همان)

تشبیه جمع:

ویشان را نیز همچو سیب و بهی

هست بر افلاک شکل و رنگ همیدون
(همان: ص ۴۹۱)

تشبیه تسویه:

ریگ و شورستان و سنگ و دشت و غار و آب شور

کشت و میوه ستان و راغ و باغ چون دیبастی
(همان: ص ۲۲۶)

تشبیه ملفوف:

نیک و بد عالم را، ای پسر، همچو شب و روز در آن نوبت است
(همان: ص ۲۶۷)

تشبیه مضمّر:

اگر پند حجت شنودی بدو شو بخور نوش میوه خوش گوارش
(همان: ص ۳۳۷)

تشبیه معکوس:

فرزند دیو را رطبیم زهر مار گشت من زهر مار او شدم، او زهر مار من
(همان: ص ۲۹۹)

ب-۱-۲- استعاره

یکی دیگر از عناصر خیال که شاعران به فراخور قدرت شعریت خود از آن بهره میگیرند، استعاره است. این عنصر خیال یکی از مهمترین تمهیداتی است که شاعر یا نویسنده سعی میکند تا با بکارگیری آن، سخن خود را مؤثرتر بیان کند.

در متون بلاغی تعاریف گوناگونی از استعاره شده است؛ محمد بن عمر الرادویانی در کتاب «ترجمان البلاغه» در تعریف استعاره مینویسد: «معنی وی چیزی عاریت خواستن باشد و این صنعت چنان بود که اندر او چیزی بود نامی را حقیقی یا لفظی بود کی مطلق آن به معنی بازگردد، آن گه گوینده مر آن نام را به جای دیگر استعارت کند بر سبیل عاریت». (ترجمان البلاغه، رادویانی: ص ۴۰).

در دیوان ناصر خسرو انواع مختلف استعاره بکار رفته و بیشتر از استعاره ی مصرّحه مطلقه استفاده شده است. چرا که پی بردن به ارکان استعاره در این نوع استعاره ساده تر از دیگر انواع است و با نقش تبیین اندیشه و توضیح مطالب همخوانی بیشتری دارد. مهمترین و پربسامدترین موضوعهایی که ناصر خسرو درباره آنها دست به استعاره سازی میزند، عبارتند از: اعضای بدن انسان، طبقه های مختلف مردم، طبیعت، جهان و دنیا، آسمان و فلک.

استعاره و انواع آن در دیوان ناصر خسرو، در رتبه بعد از تشبیه قرار دارد و مجموعاً ۳۴۲۷ مورد در قصاید بکار رفته است. ناصر خسرو از استعاره مصرّحه بیش از نوع مکنیه استفاده کرده است و تقریباً ۶۸٪ از استعاره های بکار رفته در شعر وی از نوع مصرّحه هستند. بیشترین کاربرد استعاره در دیوان ناصر خسرو حدود ۴۸٪ از استعاره های مصرّحه و از نوع مطلقه است.

زین صورت خوب خویش بندیش با هفت نجوم همچو پروین
(دیوان ناصر خسرو، ص ۵۰)

در دیوان ناصر خسرو تقریباً حدود ۳۰٪ از استعاره‌های مصرحه از نوع مرّشحه است؛ برای نمونه در بیت:

زین بند چو گشتی رها از آن پس مر کوشش و الفنج را رها نیست
(همان: ص ۱۱۵)

حدود ۲۲٪ از استعاره‌های مصرّحه بکار رفته در اشعار ناصر خسرو از گونه‌ی مجرّده است: از خویشتن بپرس در این گور خویش تو جان و خرد بس است ترا منکر و نکیر
(همان: ص ۱۰۴)

در دیوان ناصر خسرو حدود ۳۲٪ از استعاره‌ها از نوع استعاره‌ی مکنیه است. در بیت زیر شاعر گشت زمان را همچون انسانی فرض کرده است که با آن سخن میگوید:

ای گشت زمان ز من چه میخواهی؟ نیزم مفروش زرق و روباهی
(همان: ص ۱۰۵)

ب-۱-۳- کنایه

کنایه در شعر ناصر خسرو از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. برخی از کنایه‌های شعر او از نوع کنایه‌هایی است که در آثار سایر گویندگان فارسی نیز دیده میشود اما عناصر جدید نیز در شعرش کم نیست.

بسامد بالای این عنصر خیال در دیوان اشعارش نشان از وسعت آگاهی شاعر داشته و با کاربرد وسیع انواع کنایه در اشعار خویش به آفرینش مفاهیم و معانی تازه پرداخته است. در بررسی قصاید این شاعر، ۱۳۴۸ کنایه استخراج شد که از این تعداد ۹۲۳ کنایه حدود ۶۹ درصد را کنایه مصدر یا فعل که رایجترین نوع کنایه است تشکیل میدهد. یکی از انواع کنایه، کنایه‌ی ایماء است. «و آن در لغت به معنی اشاره کردن به چیزی است از دور و در اصطلاح کنایه‌ای است غیر عریضیه که کثیرالواسطه باشد. یعنی انتقال از ملزوم به لازم محتاج باید به وسایط چندی» (معالم البلاغه، رجایی: ص ۲۱۰) لازم بذکر است که بیشتر کنایات ناصر خسرو به لحاظ وضوح و خفا از نوع ایماست. یعنی حدود ۲۶ درصد که دیگر انواع در مقایسه با آن بسیار کم میباشند.

بنگر که کجا خواهدت این باز همی برد دیوانه مباش آب مپیمای بغربال
(دیوان ناصر خسرو، ص ۲۵۵)

اندر این جای سپنجی چه نهادی دل؟ آب کوبی همی، ای بیهده، درهاون
(همان: ص ۳۶)

بدشنام مر پاک فرزند او را بدری همی پوستین محمد
(همان: ص ۱۳۰)

ب-۱-۴- مجاز

یکی دیگر از شیوه‌های بیان اندیشه‌های شاعرانه و شگردهای کلام ادبی مجاز است. به دیگر سخن مجاز عبارتست از: «کاربرد واژه در غیر معنی اصلی و مؤضعّ له که برای رسیدن به معنی مجازی و عدول از معنی حقیقی باید مناسبتی یا علاقه‌ای بین معنی حقیقی و معنی مجازی وجود داشته باشد تا ذهن بتواند به مفهوم مورد نظر شاعر برسد.» (معانی و بیان، علوی مقدم، اشرف زاده: ص ۱۲۸).

از میان صورخیال آن چه کمترین بسامد را در قصاید ناصر خسرو دارد، مجاز است. این صورت از خیال ۵۸۷ بار به اعتبار علاقه‌های مختلف در دیوان قصاید ناصر خسرو بکار رفته است.

در غم آرت چو شیر شد سر چون قیر	وان دل چون تازه شیر تو شده چون قار
(دیوان ناصر خسرو، ص ۲۵۸)	
پیوسته شدم نسب به یمگان	کز نسل قبادیان گسستم
(همان: ص ۲۲۱)	
شاید که بگریند بر آن دین که بدو در	فرزند نبی را بکشند از قبل زر
(همان: ص ۱۳۲)	

ب-۲- بدیع

ب-۲-۱- تضاد: این صنعت که آن را طباق، مطابقه و تکافو نیز می‌گویند در دوره‌های مختلف مورد توجه شاعران بوده است. تضاد در شعر ناصر خسرو وسعتی خاص دارد. فراوانی تضاد در شعر او از آنجاست که وی شاعریست منتقد و معترض، و چه در اشعار زهد او و چه در انتقادهای و اعتراضها، پیوسته به تضادهای فراوانی که در دنیا و در خلق و خوی انسانهاست نظر دارد و برای نشان دادن آنها خواه ناخواه مجبور است از واژه‌های متضاد استفاده کند. تضادهای او نیز با معمولیترین و ساده‌ترین واژه‌ها بیان میشود. (رک، سی قصیده ناصر خسرو، غلامرضایی: ص ۶۹). ناصر خسرو در قصاید خود ۷۳۴ بار از این آرایه استفاده کرده است.

چون شدستند خلق غرّه بدو	همه خرد و بزرگ و کودک و شاب؟
(دیوان ناصر خسرو، ص ۲۷)	
خوب سخن جوی چه جویی ز مرد	نیکوویی و فربهویی و لاغری؟
(همان: ص ۵۶)	

ب-۲-۲- تلمیح: در شعر ناصر خسرو، تلمیح نه به عنوان صنعتی بدیعی بلکه به عنوان حوزه وسیع معنایی و اندیشه که زبان شاعرانه او را تقویت میکند و عنصر اندیشه و

فرهنگ را در آثار او نشان می‌دهد قابل دقت و بررسی و تأمل است. البته شاعر به ندرت از اساطیر ملی و به کثرت از منابع فرهنگ قرآنی و سامی در قوت بیان شعری و تخیل شاعرانه بهره برده است. در شعر وی، یاری از تلمیح برای ساختن تشبیه یا به صورت منفرد در مضامین شاعرانه، به وفور میتوان جست که فضای عمومی قرآنی شعر شاعر را تکمیل میکنند.

ناموخت خدای ما مر آدم را چون عور و برهنه گشت جز کاسما
(همان: ص ۱۸۲)

« وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا » (قرآن، بقره: ۲۹)

از طاعت برشد به قاب قوسین پیغمبر ما از زمین بطحا
(دیوان ناصر خسرو، ص ۴۰۶)

« فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى » (قرآن، نجم: ۹)

سامه کجا یافت ز دستان او رستم دستان و نه دستان سام
(دیوان ناصر خسرو، ص ۳۹۱)

ب-۲-۳- ارسال مثل یا تمثیل: ناصر خسرو برای تبیین موضوع، در بسیاری از موارد از تمثیل استفاده میکند. آوردن تمثیل برای تبیین و تایید موضوع پیش از ناصر خسرو نیز در شعر فارسی سابقه دارد، اما از آنجا که در سخن وی مسایل حکمی و کلامی و عقیدتی فراوان است، استفاده از تمثیل ضرورتر بوده است به همین سبب تمثیل در شعر وی نمودی خاص یافته است. وی از تمثیلهای قرآن مجید استفاده کرده یا به داستان یا مثلی معروف تمثیل نموده یا به داستانهای دینی و ملی اشاره کرده و در مواردی تمثیل را با طنز همراه نموده است. تمثیلهای ناصر خسرو در شعر او بسامد معنی داری پیدا کرده که میتوان تشخیص سبکی شاعر را احساس کرد.

در ساختار تمثیلهای ناصر خسرو با دو شکل عمده روبرو هستیم، یکی مثلهایی که در ادب فارسی تا روزگار او و حتی پس از او رایج بوده و او بکار برده است، مانند ماه، کتان، بریخ نوشتن و...

از نام تو بگدازد بدخواه تو، گوئی ماه است مگر نامت و بدخواه تو کتان
(همان: ص ۴۸۷)

و دیگر این که او از پیش خود مثل زده یا به تعبیری مثل سازی کرده است:

آب جوئی و سقا را چو سفال است دهان حله خواهی تو و شلوار ندارد بزاز
(همان: ص ۱۱۲)

ب-۲-۴- جناس: از بررسی قصاید ناصر خسرو درمیابیم که ناصر خسرو در مجموع ۱۰۹۸ جناس را در اشعار خویش بکار برده است. او از انواع جناس در شعر خویش بهره گرفته است.

پست بنشین و چشم دار بدانک زود زیر و زیر شود نیرنگ
(همان: ص ۳۶۹)

شام کنی طمع چو گیری عراق مصرت پیش است چو رفتی به شام
(همان: ص ۳۹۱)

ب-۲-۵- ردالعجز علی الصدر

این جهان معدن رنج و غم و تاریکیست نور و شادی و بهی نیست در این معدن
معدن نور بر این گنبد پیروزه ست که چو باغی است پر از لاله و پر سوسن
(دیوان ناصر خسرو، ص ۳۶)

ب-۲-۶- ردالصدر علی العجز

دفتر بفگن که سوی مرد علم بی خطرست آن سخن دفتری
(همان: ص ۵۶)

ج- ویژگیهای فکری

محور اشعار ناصر خسرو دین و دینداری است و بالطبع دنیاگریزی در شعر او موج میزند. مسایل دنیا در نظر ناصر خسرو آن قدر جدی و کار روزگار آن قدر نابسامان است که جز پرداختن به این مسایل، هر تفنن دیگر را بر خود حرام کرده است. مانند کسی است که سرنوشت خویش را به اصلاح دنیا وابسته است و نذر دارد که تا این اصلاح نشده روی خود را به سوی زندگی نگرداند» (آواها و ایماها، اسلامی ندوشن: ص ۱۸۳). از اینرو، محور شعر ناصر خسرو عقاید مذهبی و اخلاق است و وی همه مطالب را زیر سیطره این دو قرار داده و از این رو دیوان او اغلب مشتمل است بر عقاید مذهبی، اخلاق، پند و اندرز، اشعار سیاسی درباره انتقاد از امیران و شاهان و شاعران ستایشگر، انتقاد و شکایت از مردم عامی و عالمان و فقیهان، خاصه خراسانیان و نیز خلفای عباسی، دفاع، برهانگویی، ستیهندگی و پرخاشگری، وصف طبیعت و مدیحه گوئی.

ج-۱- بازتاب برخی افکار و اصطلاحات اسماعیلیه در شعر ناصر خسرو:

ج-۱-۱- مراتب دعوت

مرا گر ملک مأمون نیست شاید که افزونم ز مأمون هست مأذون
(دیوان ناصر خسرو، ص ۱۴۵)

پیش داعی من امروز چو افسانه است حکمت ثابت بن قره حرّانی
(همان: ص ۴۳۷)

ج-۱-۲- تأویل و تنزیل: تنزیل یعنی فرو فرستادن و گاهی به معنی قرآن آمده است. آنچه از مجموعه اشعار ناصر خسرو بر می آید، تنزیل را ظاهر قرآن و تأویل را باطن آن میدانند. اعتقاد به تأویل و باطن قرآن از مهمترین مبانی فکری فرقه اسماعیلیه است.

شورست چو دریا به مثل صورت تنزیل تأویل چو لؤلؤست سوی مردم دانا
اندر بُن دریاست همه گوهر و لؤلؤ غوّاص طلب کن چه دوی بر لب دریا؟
(همان: ص ۵)

ج-۱-۳- یگانگی خداوند: ناصر خسرو به عنوان یک اسماعیلی مذهب به وحدانیت خدا ایمان دارد اما آفریدگار را از با صفت و بی صفت مجرد صفات خدا را عین ذات میدانند و توصیف خالق را با صفات مخلوق خلاف توحید می‌شمارد.

خدا را به صفات زمانه وصف مکن که هر سه وصف زمانه ست هست و باشد و بود
(همان: ص ۳۱)

ج-۱-۴- عقل: اسماعیلیه عقل را اولین مخلوق میدانند. ناصر خسرو نیز در دیوان اشعار، عقل را اولین موجود می‌شمارد و هستی دیگر هستی یافتگان را از عقل میدانند، به نظر وی «عقل» مخلوق حق و جوهر مجردی است که آغاز جهان بدوست.

خرد دان اولین موجود، زان پس نفس و جسم آنکه نبات و گونه حیوان و آنکه جانور دریا
(همان: ص ۲)

ج-۱-۵- پیامبران: ناصر خسرو نیز از شش پیامبر اولوالعزم در دیوان اشعار یاد کرده است:

شش بود رسول نیز مرسل بن‌دیش نکو در اعتذارم
(همان: ص ۴۱۹)

ج-۱-۶- جبر و اختیار: اسماعیلیه به تبع از امام ششم از میان دو خط افراطی جبر و اختیار، امر بین الامرین را ترجیح می‌دهند. ناصر خسرو نه به جبر مطلق معتقدست و نه به اختیار مطلق. او امر بین الامرین را می‌پذیرد که هم به اراده و خواست الهی وجهی مینهد و هم مسئولیت و تأثیر انسان را انکار نمی‌کند.

به میان قدر و جبر رود اهل خرد راه دانا به میانه دوره خوف و رجاست
به میان قدر و جبر ره راست بجوی که سوی اهل خرد جبر و قدر درد و رعناست
(همان: ص ۲۱)

ج-۲- خردگرایی: ناصر خسرو در طرح مسایل اخلاقی بنا بر تفکر خویش بستایش خرد و دانش پرداخته است. دیوان ناصر خسرو، سرشار از ستایش خرد و بزرگداشت خردورزیست و از این نظر تنها با شاهنامه فردوسی قابل قیاس است.

خرد از هر خللی پشت و ز هر غم فرجست خرد از بیم امانست و ز هر درد شفاست
(همان)

ج-۳- **انسانگرایی و نوع دوستی:** انسان دوستی ناصر خسرو وجوه و جلوه‌های گوناگون دارد، منزلت انسان در نظر ناصر خسرو به حدیست که در یکی از قصایدش، آدمیان را، به طور اعم، نهال خداوند تلقی میکند.

خلق همه یکسره نهال خدایند هیچ نه بر کن از این نهال و نه بشکن
...خون به ناحق نهال کندنِ او یست دل ز نهالِ خدای کندنِ بر کن
(همان: ص ۱۷۰)

ج-۴- **تنفر از مدیحه سرایی و استبداد ستیزی:** از میان قصاید ناصر خسرو - اگر از ابیاتی که در تمجید از پیامبر اسلام و اهل بیت او سروده شدند صرف‌نظر کنیم- تنها ۳۰ قصیده به مدح و تمجید از خلیفه و خاندان فاطمی اختصاص یافته است. البته برخلاف شاعران مداح، موضوع اصلی اکثر این قصاید مدح نیست، بلکه شاعر معمولاً هنگام انتقاد از اوضاع اجتماعی یا هجو و نقد مخالفان و خلفای عباسی و یا تمجید از پیامبر و اهل بیت و نیز ضمن شرح حال خویش، چند بیتی را به مدح خلیفه فاطمی اختصاص میدهد.

در دست امیر و شاه ندهم بر آرزوی مِهی مِهارم
(همان: ص ۴۱۸)
حکیم آنست کو از شاه ننديشد، نه آن نادان که شه را شعر گوید تا مگر چیزیش فرماید
(همان: ص ۴۰)

ج-۵- **انتقادات از طبقات اجتماعی:** انتقادات ناصر خسرو از عناصر مختلف اجتماعی، نقدی از روی غرض شخصی و یا هجو گروهی یا شخصی، برای بدست آوردن خواسته‌های دنیوی نیست. انتقادات ناصر خسرو، از طبقات مختلف، بازتاب واقعیات اجتماعی عصر اوست.

ای غره شده به پادشائی بهتر بنگر که خود کجائی؟
زین بند گران که این تن توست چون هیچ نیامدت رهائی؟
پس شاه چگونه ای تو با بند چون بنده خویش و مبتلائی
(دیوان ناصر خسرو، ص ۲۶۰)
خلق یکسره بت پرستان گشته اند جانهاشان چون شمن شد، بت بدن
(همان: ص ۱۶۰)

ج-۶- **زهدورزی و دنیاگریزی:** ناصر خسرو نسبت به دنیا سرستیز دارد و دنیاگریزی در شعرهایش دیده میشود.

کار خرسست خواب و خور ای نادان با خر به خواب و خور چه شدی درخور؟
(همان: ص ۴۴)

ج-۷- **زن مقام والایی ندارد:** با بررسی اشعار ناصر خسرو، میتوان دریافت که بی‌اعتناترین شاعر ادبیات فارسی به زن شمرده میشود و دیوان او در نگاه اول خالی از حضور

زن تلقی می‌گردد. لکن در لایه‌های ذهن وی و در میان اشعارش می‌توان به طور غیر مستقیم سایه زن را پیدا کرد. اگر بخواهیم تأثیر عقاید ناصر خسرو را بر نگرش او به زن بررسی کنیم، نخستین و بارزترین این تأثیرات را در ارادت او به حضرت زهرا(س) خواهیم دید:

گزین و بهین زنان جهان کجا بود جز در کنار علی؟
(همان: ص ۱۸۶)

ج-۸- نجوم و اصطلاحات نجومی: یکی از مهمترین مواردی که در دیوان ناصر خسرو مطرح است اشارات وی در رابطه با دانش نجوم یا ستاره‌شناسی است که حاکی از اطلاعات شاعر در نجوم کهن است. از جمله این که خوشه پروین مجموعه هفت ستاره است و یا عیوق در مغرب قرار دارد، مریخ سرخ‌رنگ است و از تأثیر آن آهن بوجود آمده و یا از تأثیر خورشید زر موجود شده است. یکی دیگر از نکاتی که در زمینه ارتباط نجوم و اشعار ناصر خسرو می‌توان یافت، اعتقاد وی به تأثیر اجرام آسمانی در قضا و قدر است.

چو خوشه نستر پروین درفشنده به سبزه بر به زر و گوهران آراسته خود را چو دارائی
نهاد چشم سرخ خویش را عیوق زی مغرب چو از کینه معادی چشم بنهد زی معادائی
(همان: ص ۴۷۶)

همچنین شهاب‌سنگها را بر اساس متون دینی تیرهایی میدانند که از جانب خداوند به سوی شیطان پرتاب شدند:

بنگر به ستاره که بتازد سپس دیو بنگر به ستاره که بتازد سپس دیو
از طاعت و علم نردبانی کن وانگه برشو به کوکب جوزا
وین چرخ برون خرد همی گوید صحراست یکی و بی کران صحرا
(همان: ص ۱۸۳)

یکی دیگر از اعتقادات ناصر خسرو و ارتباط آن با نجوم، باور و دیدگاه وی در تأثیر ستاره‌شناسی در درک بهتر قدرت خداوند است که کمتر شاعری در ادب فارسی این دیدگاه را در باب ستاره‌شناسی دارد.

ج-۹- طب و اصطلاحات مربوط به آن: اصطلاحات پزشکی و مفاهیم مربوط به علم طب به ویژه طب کهن و مباحث مربوط به دارو و درمان از عناصر مهم و مضمون ساز در اشعار برخی از شاعران بوده است. ناصر خسرو نیز همچون خاقانی، عطار، مولوی و ... و البته پیشتر از آنها از این دست اصطلاحات و مضامین در شعر خود بهره برده است. البته گاه در برخی از اشعار وی به این نکته برخورد می‌کنیم که وی با در نظر داشتن نکته‌های پنهان در علم طب در صدد درمان دردهای جسمانی نبوده و از این رهگذر و البته بسیار حکیمانه و رندانه بیماریهای روحی بشر و وارستگی انسان با شفا بخشهای الهی و دینی را التیام میبخشد.

چون نشویی دل به دانش هم چنانک	موی را شویی به آب آملیه (دیوان ناصر خسرو، ص ۲۸۱)
جستی بسی ز بهر تن جاهل	سقمونیا و تربد و افسنتین (همان: ص ۸۹)
سپس بی هشان خلق مرو	گر نخوردی تو همچو ایشان بنگ (همان: ص ۳۶۹)

نتیجه:

از بررسی سبکی قصاید ناصر خسرو میتوان به این نتیجه رسید:

ناصر خسرو در قصاید خود از یازده بحر عروضی استفاده کرده است. بیشترین بسامد اوزان با ۷۸ مورد متعلق به بحر هزج و کمترین آن با یک مورد مربوط به بحرهای رجز و مقتضب است. در قوافی اشعار بیشتر حروف «ر» و «ن» در جایگاه روی قرار دارند. از مجموع دویست و هفتاد و هشت قصیده، دویست و سی و هشت قصیده بدون ردیف و چهل قصیده دارای ردیف هستند. از ویژگیهای بارز زبان او، میتوان به تخفیف کلمات و تکرار اشاره کرد. ناصر خسرو از لغات و ترکیبات عربی رایج و پرکاربرد زبان فارسی استفاده کرده است. در سطح ادبی در مقوله بیان، برجسته ترین صورخیال در قصاید وی، تشبیه است که او در این شکل خیالی از تصاویر مختلف به خوبی بهره جسته است. از میان اقسام تشبیه، تشبیهات عقلی به حسی در اشعار وی دارای بسامد بالایی است و از نظر افراد و ترکیب طرفین، تشبیهات مفرد به مفرد بیشتر از انواع دیگر آن است که نشانه ایجاز، نوآوری و همچنین زبان فاخر شاعر است. در استعاره، استعاره مصرحه و از نوع مطلقه، درکنایه، کنایه مصدر یا فعل، بالاترین درصدهای کاربرد را به خود اختصاص داده اند. آرایه‌های ادبی پربسامد در قصاید ناصر خسرو عبارتند از: تضاد، تلمیح، ارسال المثل، جناس و اشعار ناصر خسرو موضوعات متعددی از قبیل زهدورزی، ستایش اخلاق نیک، نکوهش بدیها، سرزنش دنیا و روزگار، ستایش دین، پند و موعظه، بیان مسایل اخلاقی و دینی را در بر گرفته است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۴، قم: انتشارات الهادی.
- آواها و ایماها، اسلامی ندوشن، محمدعلی، ۱۳۷۰، چ ۴، تهران: یزدان.
- آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۳، چ ۱۰، تهران: فردوس.
- ابداع البدایع، شمس العلما گرکانی، محمدحسین، ۱۳۲۸، تهران: انتشارات وزارت علوم و معارف.

- بلاغت تصویر، فتوحی، محمود، ۱۳۸۶، تهران: سخن.
- تاریخ زبان فارسی، خانلری، پرویز، ۱۳۶۶، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح الله، ۱۳۸۰، چ ۷، تهران: فردوس.
- ترجمان البلاغه، رادویانی، محمدبن عمر، ۱۳۶۲، چ ۲، تهران: اساطیر.
- دیوان، ناصر خسرو، تصحیح مجتبی مینوی و مهدی محقق، ۱۳۹۳، تهران: دانشگاه تهران.
- سبک شناسی بهار (تاریخ تطور نثر فارسی)، بهار، محمدتقی، ۱۳۷۶، تهران: امیرکبیر.
- سبک خراسانی در شعر فارسی، محجوب، محمدجعفر، ۱۳۵۰، تهران: دانشسرای عالی.
- سی قصیده ناصر خسرو، غلامرضایی، محمد، ۱۳۸۴، چ ۴، تهران: جامی.
- کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۸، چ ۵، تهران: فردوس.
- معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، رجایی، محمدخلیل، ۱۳۹۲، چ ۴، شیراز: دانشگاه شیراز.
- معانی و بیان، علوی مقدم، محمد. اشرف زاده، رضا، ۱۳۸۱، تهران: سمت.